



نگاه تحلیگر

امید به دیپلماسی



علیرضا سلطانی

استاد دانشگاه

جنگ ۱۲ روزه اخیر، نه تنها جلوه‌ای از تحولات نظامی و رسانه‌ای در سطح منطقه و بین الملل بود، بلکه ابعادی عمیق‌تر در حوزه سیاست خارجی و دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران را نیز آشکار ساخت. در حالی که عملکرد نهاد دیپلماسی کشور در مدیریت بحران و تعامل با کشورهای منطقه در طول جنگ را می‌توان مثبت و مؤثر ارزیابی کرد، اما واقعیت آن است که ریشه‌ها و عوامل شکل‌گیری این بحران نظامی را باید در عملکرد سیاست خارجی ایران در دوره‌های پیش از جنگ جست‌وجو کرد؛ ضعف‌هایی که در حوزه‌های کلیدی مانند پرونده هسته‌ای، مناسبات با نهادهای بین‌المللی و تعامل با قدرت‌های بزرگ جهانی و روابط با کشورهای منطقه آشکار و تأثیرگذار بوده‌اند.

پرونده هسته‌ای ایران یکی از طولانی‌ترین و مناقشه‌برانگیزترین موضوعات در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران طی بیش از دودهمه گذشته بوده است. به‌رغم مذاکرات متعدد، توافقات موقت، و تغییر رویکرد دولت‌های مختلف، این پرونده همچنان باز، بلا تکلیف و در بسیاری از موارد به‌عنوان بستر اصلی فشارهای سیاسی و حقوقی بر ایران مورد استفاده قرار گرفته است. طولانی شدن این پرونده، خود نشانه‌ای روشن از عدم موفقیت دیپلماسی در حل و فصل نهایی آن است. این پرونده می‌توانست در دوره‌های مختلف گذشته و با استفاده از ظرفیت‌های سیاسی داخلی ایران، نهادهای بین‌المللی به‌خصوص آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و قدرت‌های مدعی توانمندی هسته‌ای ایران (آمریکا و اروپا) و همچنین ظرفیت‌های سیاسی منطقه‌ای حل و فصل شود اما واقعیت این است که به دلایل مختلف از جمله خطای محاسباتی در سیاست‌گذاری خارجی ایران، اقدامات تقابلی و ضدایرانی طرف‌های رقیب، عملکرد تخریبی عناصر ثالث (اسرائیل) و استفاده سیاسی از پرونده از سوی طرفین این پرونده، مسئله را دچار پیچیدگی و بحران‌زایی کرده است. نکته قابل توجه دیگر این‌که حل مسئله هسته‌ای ایران از سوی طرفین محدوده پرونده هسته‌ای نیست و دیگر مسائل و چالش‌های سیاست خارجی ایران به‌خصوص توانمندی موشکی و سیاست‌های منطقه‌ای ایران، پرونده هسته‌ای را پیچیده‌تر و سخت‌تر کرده است.

در بروز جنگ به‌طور واقعی نباید نقش منفی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و به‌طور خاص دبیرکل آن را نادیده گرفت. گزارش منفی آخر دبیرکل نسبت به برنامه هسته‌ای ایران با وجود تقویت ریزنی‌های آخر ایران و آژانس که منجر به صدور قطعنامه علیه ایران در نشست فصلی اخیر این سازمان شد، نقطه آغاز حمله اسرائیل به ایران بود اما واقعیت این است که نحوه تعامل ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پیش از جنگ دچار مشکلات اساسی بود. نبود گفت‌وگوی شفاف و تعامل مبتنی بر اعتماد متقابل با آژانس باعث شد که پرونده هسته‌ای ایران بار دیگر به موضوعی برای صدور قطعنامه‌های تنبیهی و اتهام‌زنی‌های بین‌المللی تبدیل شود. صدور قطعنامه جدید آژانس علیه ایران درست یک روز پیش از حمله اسرائیل به تأسیسات کشور، نشان داد که صحنه بین‌المللی به‌جای آن‌که فضای دیپلماسی حمایتی و بازدارنده فراهم آورد، بستری برای مشروعیت‌بخشی به اقدامات تجاوزکارانه علیه ایران فراهم کرد. ایران می‌بایست با تعامل با کشورهای عضو آژانس، تا حد زیادی تحرکات دبیرکل را خنثی می‌کرد. در کنار نهادهای بین‌المللی، روابط ایران با قدرت‌های جهانی نیز در دوره پیش از جنگ نتوانست به ایجاد یک پشتوانه مؤثر برای بازدارندگی منتهی شود. روابط گسترده و بعضاً راهبردی ایران با کشورهای چین و روسیه، که از آن‌ها به‌عنوان متحدان اصلی در معادلات بین‌المللی یاد می‌شود، در بزنگاه حساس پیش از حمله نظامی اسرائیل، نتوانست نقشی عملی، بازدارنده یا حتی هشدارآمیز ایفا کند. از سوی دیگر، مناسبات ایران با سه کشور اروپایی عضو برجام یعنی انگلستان، فرانسه و آلمان نیز در سال‌های اخیر به‌ویژه پس از جنگ اوکراین، روندی نزولی و مبتنی بر بی‌اعتمادی طی کرده است.

با این‌همه، نقطه امیدبخش در حوزه سیاست خارجی ایران را باید در تحرکات دیپلماتیک مؤثر در دوره جنگ ۱۲ روزه دانست. بر خلاف پیش‌زمینه‌های منفی و فشارهای بین‌المللی، ایران نتوانست در جریان بحران، مناسبات خود با کشورهای منطقه را به شکل مناسبی به کار گیرد. نقش کشورهای عربی منطقه از جمله عربستان سعودی، عمان، قطر، امارات متحده عربی، عراق و حتی مصر در تلاش برای میانجیگری و پایان دادن به تنش‌ها، قابل توجه و مثبت بود. این کشورها نه تنها از حمله اسرائیل به ایران اعلام پراشت کردند، بلکه در حمایت از روند مذاکرات ایران و آمریکا برای ایجاد آتش‌بس نیز ایفای نقش کردند. حتی حمله ایران به پایگاه آمریکایی در قطر نیز باعث ایجاد گسست شدید در مناسبات با این کشورها نشد و نشانه‌ای از درک متقابل از شرایط ایران در منطقه بود.

در چنین شرایطی، آنچه برای آینده سیاست خارجی ایران اهمیت دارد، تغییر در نگرش راهبردی نسبت به دیپلماسی پیشگیرانه و اجماع‌سازی بین‌المللی است. ایران باید از انفعال پیش از بحران فاصله گرفته و با تقویت ارتباطات سازنده با نهادهای بین‌المللی و کشورهای مؤثر، فضای تعامل را بر پایه اعتماد، شفافیت و گفت‌وگوی هوشمندانه بازسازی کند. تجارب موفق در تعامل با کشورهای همسایه باید الگوی دیپلماسی منطقه‌ای ایران قرار گیرد تا در آینده با اتکا به همین ظرفیت‌ها، قدرت بازدارندگی دیپلماتیک تقویت شود. ایران می‌تواند با بازتعریف مناسبات منطقه‌ای خود و اعتمادسازی با کشورهای منطقه، راهبردها و روندهای سیاست خارجی خود در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، امنیتی و حتی هسته‌ای خود را با کمترین هزینه و بیشترین کارایی دنبال کند.

اهل بیت پیامبر نیز در میان جمعیت موج می‌زد. دست‌نوشته‌ها گاهی تندتر از پلاکاردهای رسمی و گاهی دلی‌تر از آن‌ها بودند.

▼ شعارها پشت بلندگو

به سبک تمام راهپیمایی‌ها و مراسم مشابه، وظیفه بخش شعارها بر عهده وانت‌هایی بود که بلندگوهای بزرگ پشت آن‌ها سوار شده بود و اغلب در ورودی معابر فرعی منتهی به خیابان آزادی ایستاده بودند. چند موردی که من مشاهده کردم، شعارهایی با محوریت ایستادگی، مقاومت و نه به سازش می‌دادند. برای مثال، یک وانت سفید رنگ ابتدای خیابان اسکندری شمالی، محور صحبت‌هایش این بود که «این مردمی که می‌بینید، این جمعیت مذاکره نمی‌خواهد، این مردم می‌ایستند.» همچنین فرد جوانی که پشت بلندگو رجز می‌خواند، به تهدید مقامات اسرائیل و آمریکا علیه مقام رهبری نیز پرداخت و اعلام کرد همین تهدیدها هم بدون پاسخ نمی‌ماند. در میان جمعیت هم هر چند متر یک نفر از میان مردم شعارهای «مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل، این همه لشکر آمده به عشق رهبر آمده، وای اگر خامنه‌ای حکم جهاد دهد، ارتش دنیا نتواند که جوابم دهد» را سر می‌دادند که با استقبال جمعیت اطراف یعنی تا جایی که صدا می‌رسید، مواجه می‌شد.

▼ حضور سران سه قوه

تعداد زیادی از مقامات کشور و چهره‌های سیاسی در تشییع شهدای جنگ ۱۲ روزه حاضر شدند. مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور کشورمان همراه با محسن حاجی‌میرزایی، رئیس دفتر خود به بدرقه این شهدا آمد. صفحه رسمی پزشکیان در توییتر، ساعتی پس از حضور او در این مراسم نوشت: «با عشق، شهدای وطن را بدرقه کردید و صدای وحدت‌مان به گوش جهان رسید. ما از حسین بن علی (ع) آموخته‌ایم تن به ذلت ندهیم و در برابر ظلم، سر خم نکنیم. خدمت به چنین ملت آزاده‌ای، افتخار زندگی من است. تا همیشه ایران.»

غلامحسین محسنی‌آزاه‌ای، رئیس دستگاه قضا نیز در این مراسم حاضر شد. او در حاشیه حضور خود در پاسخ به رسانه‌ها گفت: «مردم با این حضور پرشور خود اعلام می‌کنند این خون‌ها در رسیدن به هدف‌مان تسریع ایجاد می‌کند. این مردم حسینی هستند، ذلت نمی‌پذیرند و عزت خود را با هیچ چیز عوض نمی‌کنند. مطمئناً این رژیم صهیونیستی به همراه آمریکای جنایتکار از بین خواهند رفت و آنچه که باقی می‌ماند مردانگی است. این مردم هم وطن‌پرست هستند، هم غیرت دارند، هم ایمان قوی دارند و هم عزتمند هستند.» او همچنین اظهار داشت: «وقتی آژانس انرژی اتمی با دشمن همکاری می‌کند و به آنها اطلاعات می‌دهد طبیعی است که نمی‌تواند مثل قبل همکاری کند.»

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس به صورت ناشناس در مراسم حضور پیدا کرد و تصویر او با ماسک، کلاه و شال عزا در شبکه‌های اجتماعی دیده شد. رئیس مجلس در پیامی با تقدیر از حضور مردم در تشییع شهدا نوشت: «امروز، تاریخ بار دیگر در خیابان‌های این سرزمین ورق خورد. شما با قدم‌هایی که از دل غیرت و ایمان برداشتید، پیکر پاک فرزندان شهید این خاک را بر دوش کشیدید و نشان دادید که ایران، هنوز، وطن مردمان بزرگ است. در برابر شکوه حضور شما در مراسم وداع با سرداران سرافراز سپاه اسلام - از شهید سعید ایزدی و شهید غلامرضا محرابی تا شهیدان حاجی‌زاده، ربانی، شادمانی، شهریاری، رشید، کاظمی، باقری و سلامی - که جان خود را در برابر تجاوز صهیونیست‌ها سپرد کردند، سر تعظیم فرود می‌آورم.» او با یاد کردن و نام بردن از تک تک شهدای هسته‌ای و گرمای داشتن خدمات آن‌ها اضافه کرد: «شما مردم، امروز نه فقط پیکرها را، که پرچم عزت ایران را بر دوش کشیدید و بار دیگر «لیک با خامنه‌ای، لیبک یا حسین است» را معنا کردید و نشان دادید که قدردان مدیریت هوشمندانه و شجاعانه رهبر الهی انقلاب حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای هستند. اینجانب به نمایندگی از مجلس شورای اسلامی و در برابر این همه وفاداری، ایمان، ایستادگی و عظمت، از یکایک شما ملت شریف ایران، صمیمانه سپاسگزارم. در این روزهای خطیر، وحدت و حضور شما بزرگ‌ترین پاسخ به دشمن و صهیونیست کودک‌کش بود. امروز دنیا دید که ایران، یکپارچه ایستاده؛ حتی آنان که شاید اختلاف‌نظرهایی با ما دارند، اما در دفاع از ایران و خون شهیدان، دوشادوش هم بودند. بیایید عهد ببندیم با شهدا: که راهشان را ادامه دهیم، برای ساختن ایران قوی، مستقل، با عزت و در اوج اقتدار. و عهد ببندیم که نگذاریم خون این عزیزان بر زمین بماند.»

▼ چهره‌های سیاسی و نظامی

چهره‌های سیاسی از حجت‌الاسلام ناطق‌نوری، آذر منصوری، رئیس جبهه اصلاحات ایران و اسحاق جهانگیری، معاون اول دولت اعتدال تا سیدمحمد حسینی، وزیر دولت احمدی‌نژاد و معاون دولت سیزدهم و سعید جلیلی در این مراسم حضور پیدا کردند. در واقع تنوع سیاسیون را در تشییع شهدا شاهد بودیم. محسن میردامادی، علی شکوری‌راد، محمدسالاری و حسین نورانی‌نژاد از جمله چهره‌های اصلاح‌طلب حاضر در این مراسم بودند.

از دولت، سیدعباس عراقچی وزیر امور خارجه، اسکندر مومنی وزیر کشور، محسن پاک‌نژاد وزیر نفت، احمد دنیامالی وزیر ورزش، سیدستار هاشمی وزیر ارتباطات، فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت، عباس علی‌آبادی وزیر نیرو، غلامرضا نوری وزیر جهاد کشاورزی، سیدمحمد اتابک وزیر صمت، فرزانه صادق وزیر راه، الیاس حضرتی رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت، همراه با محمد گلزاری، دبیر شورا و جمعی از اعضای حقیقی و حقوقی این شورا از دیگر چهره‌های مشارکت‌کننده در تشییع شهدا بودند.

محمدجواد ظریف وزیر اسبق خارجه، محمدجواد آذری جهرمی وزیر اسبق ارتباطات، محمد مخبر مشاور و دستیار مقام رهبری، مصطفی پورمحمدی دبیرکل جامعه روحانیت مبارز، اسماعیل قالی‌فرمانده نیروی قدس، پرویز فتح رئیس ستاد اجرایی فرمان امام (ره)، محمدعلی جعفری فرمانده اسبق سپاه، علی شمخانی مشاور رهبری، مهدی چمران رئیس شورای شهر تهران، سید عزت‌الله ضرغامی وزیر سابق گردشگری، احمد وحیدی و محسن رضایی نیز از جمله چهره‌های دیگر حاضر در تشییع شهدا بودند.

عکس نوشت

نکوبید «علی» خواب است

درباره عکسی از تابوتی که یک نفره به سمت خاک می‌رود

امیر جدیدی

عکاس و روزنامه‌نگار

بعد از دیدن این عکس اگر دق کنید و بمیرید کسی سرزنشتان نمی‌کند. درباره تصویر تابوتی حرف می‌زنم که تنها روی دوش یک نفر به سمت خاک می‌رود. تصویر کودکی که به جای تابوت، باید روی شانه‌های پدرش سرخوشانه به عالم نگاه می‌کرد... یک لحظه صبر کنید، اصلاً تا به حال بچه‌ای را روی دوشتان قلمدوش کرده‌اید؟ اوایل ماجرا که بچه را روی دوش می‌گیرید، می‌ترسد. برای آنکه بتواند تعادلش را حفظ کند دست‌های کوچک و قشنگ‌اش را به گوش و موی شما بند می‌کند. طولی نمی‌کشد اما زود خودش را پیدا می‌کند. ناسلامتی بچه است. بچه‌ها گریایی بالایی دارند. زود یاد می‌گیرند. وقتی یاد گرفت که چطور بنشیند. وقتی فهمید کسی که قلمدوشش کرده هوايش را دارد، خودش را ول می‌کند. روی شانه‌هایتان لم می‌دهد. می‌نشیند و سرخوشانه با هر اتفاق کوچکی از ته دل ریه می‌رود. قلمدوش اما جای خوابیدن نیست. اصلاً کجا دیدید پدری بچه‌اش را روی شانه‌اش بگذارد و برایش بخواند: «بخواب جونم برات بیداری زوده»؟ کجا دیده‌اید که مردی بچه‌ای را با تابوت روی دوشش بگیرد؟ مگر این بچه حالا حالاها نباید می‌خندید؟ حیف این صورت قشنگ نیست که رویش سنگ لحد بگذارند؟ حیف آن تن پاک نیست که رویش خاک بریزند؟ حیف...

این عکس را نگه دارید؛ توی گوشی‌تان ذخیره‌اش کنید و هر کسی که خواست از نقطه‌زنی آن بی‌شرف‌ها برایتان بگوید، عکس را توی صورتش بکوبید. نه نه اشتباه کردم نکوبید، نکوبید «علی» خواب است. عکس را نگه دارید و به آن جماعتی که زیر علم قاتل این بچه دنبال «ایران بزرگ» می‌گردند نشان دهید. نشانشان دهید و اگر باز هم نفهمیدند بگویید من، ایرانی که با مرگ بچه‌هایش بزرگ شود نمی‌خواهم. بعد از دیدن این عکس اگر دق کنید و بمیرید کسی سرزنشتان نمی‌کند.

